

درس خارج فقه هادی عباسی خراسانی

جلسه سوم، ۱۴۰۲/۰۷/۲۴

موضوع: فقه المشاوره/مباحث مقدماتی فقه المشاوره /تاریخچه مشاوره - معنای لغوی مشاوره

### 1- حدیث اخلاقی (ضرورت کسب محاسن و مکارم اخلاقی)

نکته‌ی اخلاقی امروز را در محضر امیر برهان و قرآن و عرفان حضرت امیر مؤمنان (علیه السلام) هستیم. در تحف العقول، ص ۲۲۴، بخش مواظب ایشان آمده است. مواظب و نصایح، قابل اقتدا هستند و باید در جمله جمله‌ی آن دقت و برنامه‌ریزی کرد.

#### 1.1- لزوم رام کردن اخلاق با محاسن اخلاقی

«ذَلُّوا أَخْلَاقَكُمْ بِالْمَحَاسِنِ وَ قَوِّدُوهَا بِالْمَكَارِمِ وَ عَوِّدُوا أَنْفُسَكُمْ الْحِلْمَ [1]...»  
«ذللوا أخلاقکم بالمحاسن»؛

اخلاق خود را با محاسن رام کنید. اولین گام سیر و سلوک، رسیدن به محاسن است. محاسن، خوب بودن و مکارم اخلاقی، خوب ساختن است. مکارم، مرحله‌ای بالاتر از محاسن است. اخلاق‌تان را به محاسن رام کنید.

#### 1.2- لزوم رهبری کردن اخلاق با مکارم اخلاقی

«و قَوِّدُوهَا بِالْمَكَارِمِ»؛

پله‌ی بعدی این است که به مکارم اخلاقی آن‌ها را راهبری کنید. مکارم اخلاقی، یعنی بخشیدن کسانی که به شما جفا کردند و صله‌ی رحم با کسی که قطع ارتباط کردند. مکارم اخلاقی، مرحله‌ی انسان‌سازی و خوب‌سازی است. رسول مکرم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ [2]». «

#### 1.3- لزوم عادت دادن نفس به حلم

«و عَوِّدُوا أَنْفُسَكُمْ الْحِلْمَ»؛

بردباری را به نفوس‌تان عادت دهید. عادت‌تان حلم باشد. ما معمولاً حلم را طوری معنا می‌کنیم که منفی‌گرایی است؛ اینکه انسان هرچه آمد، صبر کند؛ خیر، این حلم نیست. حلمی که باری تعالی دارد؛ یعنی با اینکه می‌داند، خود را به تغافل بزند که سازنده باشد. این حلم،

کار الهی است. خدا از مخلوق و والدین از بچه و استاد از شاگرد چیزی می‌داند، ولی می‌داند اگر به رُخس بکشد، سوء تربیت دارد. به امید حق در فقه مشاوره هم تغافل را بحث خواهیم کرد. حلم بعد از علم است. عالم آن است که حلیم باشد. علم، فصل ممیز انسان با انسان و حلم، فصل ممیز عالم با عالم دیگر است. نفوس‌تان را با بردباری و سازگاری عادت دهید. ان‌شاءالله این‌گونه باشیم. آنچه ذات اقدس الهی برای همه‌ی ما برنامه قرار داده است، در زندگی‌مان پیاده کنیم. برنامه‌ی علمی و عملی داشته باشیم. اگر علم را به عینیت نرسانیم، فایده‌ای ندارد. محاسن و مکارم را در خود پیاده کنیم و حلم را تمرین کنیم. سخت‌ترین مشکلات را انسان می‌تواند در این صورت تحمل کند.

## 2- خلاصه جلسه گذشته

تاریخچه‌ی مشاوره را بحث کردیم که تاریخچه‌ی هر علم مهم است. مهم است بدانیم که مروّجین و مؤسسین آن علم چه کسانی هستند. مشاوره به معنای مطلق گفت‌وگوی کسی با دیگری می‌دانیم. این مشاوره‌ی اصطلاحی، قسمتی از مشاوره‌ی اسلامی است. آنچه در قرآن کریم به صورت گفتمان صورت گرفته است، تاریخش به گفتمان حضرت حق با مخلوق و فرشته و انبیا باز می‌گردد. گفته‌های انبیا برای دیگران برای هدایت و کمک، تحت عنوان مشاوره‌ی اسلامی است. اگر با محاوره هم یکی شود، اشکالی ندارد. قیودش را بیان می‌کنیم. مکالمه هم قسمی از مشاوره است. در گفتمان باید چیزی بیان شود. ان‌شاءالله لغت و تعریف مشاوره را خواهیم گفت. جناب آدم و حوا آفریده شدند. مشکلاتی داشتند و گفت‌وگوهایی برای کمک گرفتن از هم داشتند. مشاوره، یک ضرورت است. ﴿وَوَبَّأَ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً﴾ [3]. اولین مرحله‌ی مشاوره از همین جا محقق می‌شود.

## 3- غلبه‌ی معاملات معاطاتی نسبت به معاملات قولی در عصر حاضر

اگر از ما سؤال کنند که آیا افعال فعلی و فعل انسان که موضوع علم فقه است و فقه بر اساس افعال مکلفین دور می‌زند، با فعلیت شروع شد، یا قول؟ معاملات فعلی و معاطاتی بر معاملات قولی مقدم است. افعال را همه‌ی زبان‌های مختلف هم می‌فهمند. مرحوم شیخ می‌فرمودند: «معاطات در امور صغیره است و در امور کبیره، ایجاب و قبول لازم است [4]». «این در زمان ایشان بود. الآن معاملات معاطاتی بیشتر از ایجاب و قبول است. معاطات در نکاح هم جایز است، یا خیر؟ بحثی است. آیا همان مبنای شیخ است که و الأمر فی البضع أهم [5]. هم عربیت لازم است و هم الفاظ باید باشد، یا خیر؟ دو نفر سالیانی با هم بودند؛ فقط صیغه‌ی عقد نخواندند؛ آیا حرام است، یا جایز؟ نظر ما این است که در معاطات نکاحی باید تأمل کرد.

#### 4- لزوم توجه به تاریخ در مسائل فقهی

نسبت به تاریخ، عرض ما این است که اولین گفتمان مخلوق با خالق و بعد گفت‌وگوهای مخلوقات با نیازهایی که داشتند، فعلی را به نام مشاوره محقق کرد. هر چه هم پیش رفتند، مشکلات و کمک گرفتن بیشتر شد.

روش مسائل فقهی این است که اول سراغ تاریخ بروید و بعد سراغ بیان واژه بروید. در قرآن و کلمات گذشته، نمونه‌هایی از موضوع مورد بحث داشتید، یا خیر؟ آیا با آنچه الآن هست، تصادق دارد، یا متفاوت است؟

ما مشاوره را جزو مسائل مستحدثه نمی‌دانیم؛ هرچند برخی مسائل جدیدی در آن گفتند. فقه مستحدث نیست. برخی از موضوعات مورد بحث آن مستحدث است، ولی خودش مستحدث نیست؛ چرا که تصریح در آیات و روایات داریم.

#### 5- اشتقاق صرفی واژه‌ی مشاوره

مشاوره، باب مفاعله است. بین ادبا اختلاف است که آیا طرفینی است، یا یک طرفی. در مفاعله، گفتمان طرفینی است. سؤال و جواب به هم نقد دارد. متعرض کلام دیگری است، نه هر گفت‌وگویی. یکی می‌گوید و دیگری می‌شنود و گفته‌ها و شنیده‌ها در برخی جهات، ناسازگاری داشته باشد. مراجع و مشاور هم گاهی حرف‌هایشان دو تا است. حرف‌ها متعدد است، ولی جهت تصادق و اشتراک دارند. می‌توان به لحاظ لفظ بگوییم به شور گذاشته است. تسالم را می‌گیرد و مورد اشتراک قرار می‌دهد و سایر مطالب را به ثبوت می‌رساند. یکی از هنرمندی‌های مشاور آن است که مطالب را از خود مراجع می‌گیرد و آسیب‌شناسی می‌کند.

#### 6- حقیقت عرفی و لغوی بودن مشاوره

نسبت به مشاوره به این نتیجه رسیدیم که:

مشاوره، حقیقت شرعی نیست. حقیقت متشرعه نیز نیست؛ بلکه حقیقت عرفیه یا لغویه است. شارع مقدس اینجا مؤسس نیست. عرف اعم از عرف عام و متخصص است. شارع مقدس احکامی را آوردند و بر اساس فعلیاتی که در میان مردم رایج بود، آن احکام را قرار دادند. شارع مقدس این‌ها را هدایت کردند. تمام بایدها و نبایدهای مراجع را باید دخالت دهیم. یکی از مباحث این است که مشاور چه سؤالاتی می‌تواند کند. یک خطوط قرمز این است که نباید وارد شود. اگر مشاوره‌ی ما اسلامی است. بین مشاور و محقق فرق است. عرض ما این است که مشاوره و مشورت، حقیقت عرفیه و لغویه است. به عبارت

بهتر در عرف دانشمندان و کسانی که نیاز به محاوره دارند و نظام اجتماعی برخوردارها و مشکلاتی بوده که با هم حرف می‌زدند و این حقیقت عرفی شده است. نزد فقها بحثی است که آیا عرف مقدم است، یا غیر آن؟

برخی بزرگان نسبت به عرف، خیلی اهمیت دادند:

در جواهر بیش از ۳۰۰ مورد، مراجعه به عرف شده است و ایشان عرف را به عنوان مأخذ مراجعاتی مهم می‌دانند. حق نیز همین است.

### 7- یک خاطره

به حج مشرف شده بودیم. از بعثه‌ی مقام معظم رهبری آمدند که مسعا را خراب کردند و زائران را نمی‌دانیم کجا سعی ببریم. گفتند شما بررسی کنید. دیدیم بخشی را خراب کردند و زائران نمی‌دانستند از کجا برگردند. گفتم اگر از همین جا برگردند، شرعی است. نیاز نیست تا آن بالا بروند. گفتم اگر حج اول ما بود و از این اطرافیان سؤال می‌کنیم بین الجبلین کجاست، اینجا را نشان می‌دهند. ریشه‌ی کوه که اینجا نیست. الحمدلله مسأله حل شد.

عرف، یکی از منابع شناخت ما در مسائل فقهی است. حضرت امام هم می‌فرمایند: «هرچه فقیه عرفی‌تر باشد، فتاوی او خودمانی‌تر و بهتر است». ایشان هم به عرف زیاد توجه می‌کنند.

### 8- معنای لغوی واژه‌ی مشاوره

جلسه‌ی آینده به کلمه شور می‌پردازیم. این واژه در اصل برای کسانی که برای استخراج عسل به کوه می‌روند به کار می‌رود. استادمان علامه حسن‌زاده (رحمه‌الله)، کتاب «صحاح اللغة»ی جوهری را توصیه می‌کردند. در عرف عرب، بدوی بودن، فرهنگش بالاتر است؛ بر عکس زمان ما که شهر مقدم است. جناب جوهری ده به ده می‌رفت که لغات را بنویسد. کسانی که بیابان‌نشین بودند، برای استخراج عسل می‌رفتند. عسل‌های کوهی و کندوهای طبیعی هست که زنبور عسل بین لایه‌های سنگ می‌رود. این طبیعی‌ترین عسل است و مبالغ سنگینی دارد. کسی که با دستش نشان می‌دهد و اشاره می‌کند که فلان جا کندوی عسل است به او مُشیر و مُشاوَر می‌گویند.

[2]بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث، العلامة المجلسي، ج٦٨، ص٣٨١.

[3]سوره نساء، آيه ١.

[4]كتاب المكاسب (للشيخ الأنصاري) ط تراث الشيخ الأعظم، الشيخ مرتضى الأنصاري،  
ج٣، ص٦٠.

[5]كتاب المكاسب (للشيخ الأنصاري) ط تراث الشيخ الأعظم، الشيخ مرتضى الأنصاري،  
ج٣، ص٣٥٧.